

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

باب‌المنذب زیرپای انصارالله

پیشروی برق‌آسای نیروهای انصارالله در ساحل غربی یمن و رسیدن آنها به ذباب، المخا و جزیره راهبردی میون، معادله قدرت در باب‌المنذب را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. جایی که شکست نیروهای مورد حمایت عربستان، اکنون به تهدیدی مستقیم برای یکی از مسیرهای حیاتی انرژی ریاض تبدیل شده و همزمان واشنگتن را در برابر انتخابی دشوار قرار داده است. ورود به یک جنگ فرسایشی تازه در یمن یا پذیرفتن اینکه متحد سعودی‌اش دیگر قادر به مهار انصارالله نیست. کنترل انصارالله بر جزیره میون در کنار آن، کنترل المخا و رسیدن به ذباب، یک زنجیره جغرافیایی ایجاد کرده که از ساحل یمن تا دهانه دریای سرخ امتداد می‌یابد. کنترل ذباب و میون برای در اختیار گرفتن باب‌المنذب اهمیت اساسی دارد.



وزیر کاهش قیمت نفت

در حالی که تبادل آتش سنگین ایران و آمریکا در خلیج فارس و دریای مکران، حملات موشکی ایران به اردن، جنگ نفتکش‌ها و سیطره کامل انصارالله بر تنگه باب‌المنذب بازار انرژی را به سمت نفت ۱۱۰ دلاری سوق داده بود، مجموعه‌ای از مواضع و تحرکات دیپلماتیک از تهران بار دیگر همان نگرانی قدیمی را زنده کرد؛ اینکه درست هنگامی که فشار اقتصادی بر آمریکا افزایش می‌یابد، برخی مسئولان ایرانی ناخواسته با ارسال سیگنال مذاکره، به کاهش قیمت نفت و تنفس اقتصادی واشنگتن کمک می‌کنند. فایننشال تایمز نیز به همین واقعیت پرداخت و نوشت: «آرامش نسبی در بازار اوراق قرضه در شرایطی شکل گرفت که قیمت نفت پس از انتشار گزارش‌هایی مبنی بر اینکه قرار است وزرای کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران دیدار کنند کاهش یافت.» ۷

احیاء اهرم فشار با تغییر سیاست راهبردی کشور ۲

چرا نفت ۲۰۰ دلاری نشد؟ ۵



نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی؛

ظرفیت حداکثری کشورگروگان نگاه حداقلی دولت است

۳

صدور قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام

خروج از NPT روی میز ایران

۳



زنگ خطر اشغال جنوب لبنان

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

صفحه ۱۱

فرهنگی

بازگشت مرموز یک کتاب لغو مجوز شده به بازار

عرضه گسترده کتاب خاطرات محمدرضا پهلوی با عنوان «پاسخ به تاریخ» درویرترین کتابفروشی‌ها و سامانه‌های فروش اینترنتی، موجی از انتقاد و شگفتی را در میان فعالان فرهنگی پدید آورده است.

صفحه ۵

اقتصادی

اقتصاد آمریکا در «وضعیت قرمز»

اقتصاد آمریکا در شرایطی به استقبال پاییز می‌رود که جنگ با ایران و عبور دوباره نفت از مرز ۱۰۰ دلار، برخلاف وعده‌های همیشگی واشنگتن درباره «کنترل هزینه‌ها»، به یکی از عوامل افزایش هزینه برای شهروندان آمریکایی تبدیل شده است.

رژیم صهیونیستی آرام آرام در حال تغییر دادن «واقعیت میدانی» در جنوب لبنان است و اگر این روند با یک پاسخ بازدارنده متوقف نشود، بعید نیست مذاکرات بعدی لبنان و رژیم صهیونیستی نه درباره خروج صهیونیست‌ها، بلکه درباره این باشد که تل‌آویو با چه عنوانی قرار است در بخش‌هایی از جنوب لبنان، از جمله ارتفاعات راهبردی علی‌الطاهر، باقی بماند!

متن کامل در صفحه ۶

با تغییر رویکرد جنگی ایران و اصلاح دیپلماسی، قیمت نفت اوج گرفت

بازگشت اهرم فشار ایران

شرایط پیش از امضای تفاهم‌نامه و سقف ۱۱۰ دلاری رساند. با این حال مروری بر مواضع مقامات آمریکایی، ثابت کرده است که آمریکایی‌ها هنگامی که قیمت نفت به زیر ۹۰ دلار می‌رسد تهدیدات و جنگ روانی خود را افزایش می‌دهند و زمانی که این سقف روانی به بالای ۱۰۰ دلار میرسد با خبردرمانی و سخن گفتن از بازگشت به توافق به دنبال کاهش قیمت نفت هستند.

پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، اهرم‌های فشار ایران خنثی و قیمت نفت به نفع آمریکا اصلاح شد، و این موضوع به عاملی برای تشدید تهدیدها و جنگ روانی علیه ایران تبدیل شد. با این حال با تغییردبیر شعام و تلاش‌های صورت گرفته برای اصلاح دیپلماسی و پاسخ‌های بازدارنده نیروهای مسلح در جبهه مقاومت بار دیگر قیمت نفت را پس از مدت‌ها به

Brent Crude (November Contract)
109.51 +8.20%



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

فوق پیشرفته آمریکایی در آب‌های خلیج فارس، مورد اصابت قرار دادن شناور بدون سرنشین جاسوسی ارتش تروریست آمریکایی با نام سیلدرون و با شماره بدنه ۵۸۳۸ در تنگه هرمز و پامپ قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار و رسیدن به سقف روانی ۱۱۰ دلار در شامگاه پنجشنبه حاکی از بازگشت موقعیت ایران به شرایط پیش از تفاهم‌نامه است. موقعیتی که حفظ آن برای پایان دادن به جنگ و نحت فشار قرار دادن دشمن آمریکایی به شدت ضروری به نظر می‌رسد.

مروری بر مواضع مقامات آمریکایی، ثابت کرده است که آمریکایی‌ها هنگامی که قیمت نفت به زیر ۹۰ دلار می‌رسد تهدیدات و جنگ روانی خود را افزایش می‌دهند و زمانی که این سقف روانی به بالای ۱۰۰ دلار میرسد با خبردرمانی و سخن گفتن از بازگشت به توافق به دنبال کاهش قیمت نفت هستند. بویژه اینکه به نظر میرسد تحرکات روزگشته «عاصم منیر» و «شهپاز شریف» در «منازعه ایران آمریکا» صرفاً با درخواست آمریکا صورت گرفته و برای کنترل قیمت نفت با اثر روانی دیدار و تماس تلفنی مقامات پاکستانی با مقامات ایران است و کارکرد دیگری ندارد و در واکنش به همین اخبار و تحرکات قیمت نفت روز گذشته با کاهش ۶ دلاری از ۱۱۰ به ۱۰۴ دلار رسید. به نظر می‌رسد آن جریانی که بر خلاف «علی‌الاصول» راهبرد و رویکردی دیگر در مواجهه با آمریکا در پیش گرفته بود اکنون نیز از زمان تغییردبیر شعام، از متن کار تا حدودی کنار گذاشته شده است و در همین راستا و با توجه به اتفاقات اخیر در منطقه و عملیات‌های رعدآسای نیروهای مسلح کشورمان دوباره اوضاع به نفع جبهه مقاومت تغییر کرده است.

راهبردی نفت آمریکا کم کند. همچنین کشورهایی که در میانه جنگ رمضان صریحا اعلان داشتند که در همکاری نظامی با آمریکا در مقابل به ایران همراهی نمی‌کنند، بعد از تفاهم‌نامه و دریافت موضع ضعف ایران، دچار تغییر رویکرد شدند. از جمله جسارت و حمله اوکراین به یک کشتی ایرانی و اخیرا نیز همراهی اروپایی‌ها با آمریکا در تصویب قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. اما این وضعیت زمانی بدتر تلقی می‌شد که شرایط به قبل از امضای تفاهم‌نامه برنمی‌گشت! به گونه‌ای که حسرت نفت ۱۰۰ دلاری طی هفته‌های اخیر در کنار تهدیدات و رجزخوانی‌های ترامپ موجب خدشه‌دار شدن عزت ملی کشورمان شده بود.

با این حال و پس از آرایش هجومی میدان از سوی رهبر معظم انقلاب و انتصاب فرماندهان و تغییردبیرشورای عالی امنیت ملی شاهد تغییرات ملموس و راهبردی در مواججه با آمریکا شدیم. در همین راستا سرلشکر رضایی، دبیرشورای عالی امنیت ملی در ۱ شهریور ۱۴۰۵ با اشاره به تجربه چند دور مذاکره و بدعهدی آمریکا از اصلاح رویکرد دیپلماسی خبر داده و اظهار داشته بود: «به شدت نیاز داریم که در رفتار دیپلماتیک خودمان اصلاحاتی انجام بدهم و حتماً در مسئله اداره و شیوه جنگ تغییراتی خواهیم داد و همچنین در رفتار دیپلماتیک ایران تحولات و تغییراتی صورت خواهد گرفت.» مروری بر واکنش‌ها و اقدامات اخیر نیروهای مسلح کشورمان در میدان طی هفته اخیر از جمله حمله موشکی به ناو آمریکایی، موشک باران پایگاه‌های آمریکایی منطقه بویژه اردن و شکار ارزشمند یک زیردریایی

پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در ۲۸ خرداد ۱۴۰۵، وضعیت منطقه و کنشگری جبهه مقاومت در تقابل با جبهه آمریکایی با تغییراتی ملموسی مواجه شد. تغییراتی که منجر به خنثی‌سازی اهرم‌های فشار ایران گردید. در همین راستا عبور و مرور نفت از تنگه هرمز نسبت به قبل از تفاهم‌نامه افزایش، میزان برداشت از ذخایر نفتی آمریکا ۱۰ میلیون بشکه در هفته به میانگین هفته‌ای ۳ میلیون بشکه رسید و طبق آخرین داده‌های انتشار یافته از «اداره اطلاعات انرژی آمریکا» در هفته اخیر، فقط ۱،۲ میلیون بشکه کاهش یافته است و قیمت نفت زیر ۹۰ دلار تثبیت شد و در همین وضعیت شاهد نقض تفاهم‌نامه و تجاوز دوباره ارتش تروریستی آمریکا به خاک کشورمان و تشدید تحریم‌های اقتصادی و محاصره دریایی شدیم.

شرایط دیپلماسی کشورمان و جنگ روانی دشمن بعد از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به گونه‌ای بود که با پایین آمدن قیمت نفت به زیر ۹۰ دلار، تهدید، رجزخوانی و التهاب آفرینی مقامات آمریکایی نسبت به ایران به اوج خود رسید و در عین حال برخی از مقامات و جریانات سیاسی در داخل کشور همزمان با پالس ضعف به دشمن نه تنها به تشدید فشارهای ارتش تروریستی آمریکا به کشور دامن زدند بلکه زمینه جسارت کشورهای اروپایی به کشور را نیز فراهم کردند.

در واقع امضای تفاهم‌نامه به ترامپ این فرصت را داد که مسیر عمرانی را در تنگه هرمز ایجاد کرده و با عبور ۲۵۰ میلیون بشکه نفت غیرایرانی از تنگه، فشار را از روی مخازن

خبر کوتاه

اقدامات آژانس، کشورها را به سمت خروج از (NPT) سوق خواهد داد

دبیرشورای عالی امنیت ملی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «قطعنامه تصویب شده در شورای حکام، اقدامی غیرقانونی، از نظر فنی بی‌اساس و کاملاً سیاسی است که ردپای آشکار فشارهای ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در آن دیده می‌شود. اقدامات سیاسی و تخریب‌گرانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کشورها را به سمت خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) سوق خواهد داد.»

۴ شهید تجمعات مشهد با دستور رهبر انقلاب، شهید محسوب شدند

آیت‌الله‌سید احمد علم‌الهدی در خطبه‌های نماز جمعه مشهد که در جوار بارگاه منور رضوی برگزار شد، اظهار کرد: مقام معظم رهبری فرمان صادر کردند که چهار عزیزی که در این تجمع بر اثر تصادف به شهادت رسیدند، به عنوان شهید قلمداد شده و برای آنان پرونده شهید تشکیل شود.

مخبر: فتح مبین انصارالله، اثبات کرد، امنیت کالایی خریدنی نیست

مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب در واکنش به پیروزی انصاراللهیم در حساب کاربری خود نوشت: تبریک برای فتح مبین انصارالله این پیروزی بزرگ بار دیگر اثبات کرد، امنیت کالایی خریدنی نیست. امروز اقتدار ایران در هرمز و اراده درون زای مقاومت، آمریکا و متحدانش را در تاکتیک و استراتژی به بن بست کشانده. هزینه بحران اقتصادی و جاه طلبی ترامپ را مردم آمریکا و همپیمانانش می‌پردازند.

اسماعیلی: سکوت کنید تا قیمت نفت کار ترامپ را تمام کند

وزیر فرهنگ و ارشاد دولت سیزدهم در حساب کاربری خود در واکنش به رسیدن قیمت نفت به قیمت ۱۱۰ دلار خطاب به دولت و تیم مذاکره کننده نوشت: قیمت ارز و بازار داخلی را که رها کردید، حداقل کمی سکوت کنید تا قیمت نفت کار ترامپ را تمام کند.

هشدار درباره اول مهر: جای تروریست در دانشگاه نیست!

حجت‌الاسلام راجی گفت: ممکن است اول مهر دشمن در دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی داشته باشد. بنده به مسئولان وزارت علوم هشدار دادم که جای تروریست‌ها در دانشگاه نیست. وی افزود: من تعجب می‌کنم که چگونه برخی به بازگرداندن ۴۰۰ نفری که از دانشگاه اخراج شدند افتخار می‌کنند! حجت‌الاسلام راجی هشدار داد که ایندفعه مانند دفعات گذشته نیست و کشور به واسطه اقدامات این تروریست‌ها خسارات بسیار گسترده‌ای متحمل شده است.

عارف: از پیروزی‌های ملت قهرمان یمن خرسندیم

معاون اول رئیس جمهور نوشت: از پیروزی‌های ملت قهرمان یمن خرسندیم پیام ما گذشته به حکام منطقه دعوت به عقلانیت‌رهایی از وابستگی و وحدت حول پرچم اسلام است. تشکیل بلوک مقتدر اقتصادی و سیاسی اسلامی با رعایت شئون همسایگی و انسجام منطقه‌ای ضامن منافع امت اسلامی است.

گفتمان

جهرمی: مسئولان باید سبک زندگی جنگی داشته باشند

سخنگوی دولت شهید رئیسی در تجمعات شبانه مردمی با بیان اینکه، جنگ ما با جبهه باطل یک جنگ وجودی است، اظهار داشت: جنگ وجودی یک بعدی و دو بعدی نیست! بلکه یک جنگ چند ساحتی است که همزمان در حوزه‌های نظامی، اندیشه، اعتقادی، فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و حوزه سیاسی با دشمن در حال مبارزه کردن هستیم. وی افزود: در این جنگ و در این ساحت، یا نور است و یا ظلمت و این دو با هم قابل جمع نیستند.

جهرمی تأکید کرد: اگر کسی در حال جنگ با دشمن باشد، سبک زندگی اش یک سبک زندگی نظامی می‌شود. آیا نظامی‌های ما در این مدت مثل شرایط صلح زندگی کردند؟ آیا مردم ما در این مدت مثل شرایط صلح زندگی کردند؟ مردم ما در این ۱۴۷ روز سبک زندگی خودشان را سبک زندگی جنگی کردند و به میدان و نیروهای مسلح گفتند شما بجنگید و خیابان را ما نگه می‌داریم! رفتند جانفدا ۳۰ میلیون ثبت نام کردند و اعلام آمادگی کردند که هستیم.

سخنگوی دولت شهید رئیسی در ادامه با تأکید بر این نکته که همین مدل سبک زندگی مردم کف خیابان، از مقامات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای انتظار می‌رفت، اظهار داشت: در ایام جنگ چه در حوزه برنامه‌ریزی و چه در حوزه مدیریت وسط میدان به اقتضای برنامه ریزی جنگی نیاز داریم.



✓ جلیلی: ظرفیت حداکثری کشور گروگان نگاه حداقلی دولت است



سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در یک صد و پنجاه و سومین جلسه حکمت سیاسی اسلام در قرآن با بیان اینکه هر تعهدی

تا جایی معتبر است که به اصول آسیب نزنند، اظهار داشت: «تعهد، زمانی ارزشمند است که در مسیر اصول و آرمان‌ها باشد؛ هیچ قرارداد و کنوانسیونی نباید ما را از مبانی و ارزش‌های اساسی مان دور کند. اصل، حفظ مبناست؛ تعهدات در چارچوب اصول معنا پیدا می‌کنند.» جلیلی همچنین در بخشی دیگر از سخنانش با تأکید بر این نکته که ظرفیت حداکثری کشور گروگان نگاه حداقلی دولت، تصریح کرد: «کشوری با ظرفیت رشد اقتصادی سالانه ۸ درصد، چرا باید با نگاه حداقلی و سیاست «حالا امسال نیز

بگذرد» اداره شود؟ وقتی فرصت و ظرفیت برای پیشرفت وجود دارد، باید همه توان کشور را برای تحقق آن به کار گرفت، نه اینکه با تکرار «نمی‌شود» و «بیشتر از ۲ یا ۳ درصد امکان ندارد»، ظرفیت‌های کشور نادیده گرفته شود و نتیجه کار به رشد منفی اقتصادی برسد.» این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین اظهار داشت: «اگر هدفی که برای آن حرکت می‌کنیم متعالی است، نمی‌توان با حداقل تلاش به آن رسید. در عرصه‌های مختلف، از فرهنگ و اقتصاد گرفته تا مسئولیت‌های اجتماعی، باید تمام ظرفیت‌ها را به کار گرفت؛ نه فقط برای «بیشتر کار کردن»، بلکه برای بهترین شکل عمل کردن.»

یادداشت

اجتهاد در مقابل نص!

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

در طی چند سال گذشته، برخی محترمین، به بهانه شرایط امنیتی، جنگ و تلاطم موجود، سکوت در مقابل ترک یک واجب شرعی مسلم (حجاب) را توجیه می‌کنند. اما آیا سیره پیامبر اکرم (ص) و امام خمینی (ره) نیز چنین بوده است؟ مهم‌ترین حوادث سال پنجم هجری (سال نزول آیات حجاب و اجباری شدن رعایت آن) که در منابع سیره و تاریخ اسلام ذکر شده‌اند، عبارت‌اند از:

غزوه دومة الجندل

غزوه بنی‌مضلق (مریسیع)

ماجرای افک (تهمت به عایشه)

نزول بخشی از احکام حجاب و آیات سوره احزاب

حفر خندق در اطراف مدینه

غزوه احزاب (جنگ خندق)

مبارزه امیرالمؤمنین علی (ع) با عمرو بن عبدود

و کشته شدن وی

محاصره مدینه توسط ائتلاف قریش و قبایل عرب

شکست و عقب‌نشینی سپاه احزاب

غزوه بنی‌قریظ

دوری سعد بن معاذ درباره بنی‌قریظه

شهادت یا وفات سعد بن معاذ بر اثر جراحات

جنگ خندق

نزول بخش مهمی از سوره احزاب

تشریع برخی احکام خانوادگی و اجتماعی، از جمله احکام مربوط به همسران پیامبر (ص)

اعزام چند سرب و مأموریت نظامی برای تأمین امنیت مدینه

یعنی پیامبر اکرم (ص) در سنگین‌ترین سال نظامی، که درگیری با کفار و یهود هم‌زمان بود، به موضوع حجاب پرداخت و احکام مربوط به آن را مورد توجه قرار داد.

امام خمینی (ره) نیز در ۱۶ اسفند ۱۳۵۷، تنها ۲۴ روز پس از پیروزی انقلاب، در حالی که کشور بسیار پر تلاطم بود و تقریباً هیچ نهاد مؤثر قانونی حاکم نبود و این دستور با مخالفت‌های جدی همراه بود، دستور به رعایت حجاب دادند؛ مبتنی بر احکام شرعی، در حالی که قانون مربوط به سال ۶۲ و در اوج جنگ است.

پس اگر «جنگ»، «مشکلات امنیتی» و «تلاطم»

... همان دلایلی که در چند سال گذشته برخی از محترمین برای عدم ورود به برخورد با ناهنجاری‌های موجود می‌آورند ... موجه‌کننده

سکوت و ترک این واجب است، چگونه پیامبر اکرم (ص) و امام خمینی (ره) در چنین شرایطی به این مسئله ورود کردند؟

آیا آنان نمی‌فهمیدند که شرایط امنیتی و تلاطم وجود دارد؟ در نهایت، این سؤال جدی باقی می‌ماند: آیا پیامبر اکرم (ص) و امام (ره) به عنوان مؤسسان دین و انقلاب، بیشتری فهمیدند یا ما؟

خبر کوتاه

سفر رئیس جمهور به دهلی نو به منظور شرکت در اجلاس سران بریکس

روز گذشته رئیس جمهور به منظور شرکت در هجدهمین اجلاس سران کشورهای عضو بریکس، با استقبال شانتانو تاکور وزیر مشاور در امور بنادر و کشتیرانی هند وارد شهر دهلی نو محل برگزاری این اجلاس شد. مسعود پزشکیان در جریان این سفر در نشست اصلی سران کشورهای بریکس، همایش اقتصادی سران عضو بریکس و جلسه غیرعلنی سران عضو بریکس با موضوع حاکمیت جهانی فراگیر و تقویت چند جانبه‌گرایی به ایراد سخنرانی می‌پردازد.

واکنش نمایندگان مجلس به صدور قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

خروج از NPT روی میز ایران

صدور قطعنامه ضد ایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازتاب‌های گسترده‌ای در کشور داشت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از حدود یک دهه قبل عملاً به مدافع حقوق آمریکا و رژیم صهیونیستی و نهادی ضد ایرانی شناخته می‌شود، در شرایط ضعف مفرط آمریکا و شکست این کشور در برابر ایران به میدان آمد تا با سیاسی کاری و حاشیه‌سازی تازه برای کشورمان، منافع حامیان سیاسی و اقتصادی خود را تأمین کند. در واکنش به تصویب قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مواضع متفاوتی اتخاذ کردند که وجه مشترک آن، ضرورت بازبینی در عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده است.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

ما به بهانه هسته‌ای تحمیل شد.

خروج از NPT گزینه روی میز ایران

عضو هیأت رئیسه مجلس با تأکید بر اینکه ایران در برابر قطعنامه سیاسی شورای حکام منفعل نخواهد ماند، گفت: جمهوری اسلامی ایران گزینه‌های جدی برای پاسخ در اختیار دارد و یکی از این گزینه‌ها می‌تواند خروج از NPT باشد. حجت‌الاسلام

علیرضا سلیمی با اشاره به صدور قطعنامه ضد ایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گفت: این قطعنامه کاملاً سیاسی و خصمانه بوده و خارج از همه‌چارچوب‌های مربوط به قواعد بین‌الملل صادر شده است. عضو هیأت رئیسه مجلس با بیان اینکه ایران با وجود عضویت در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) از امتیازات و حقوق این عضویت بهره‌مند نشده است، افزود: شورای حکام باید در این زمینه پاسخگو باشد، اما متأسفانه تاکنون به این پرسش پاسخ نداده است.

وی ادامه داد: شورای حکام فراموش کرده که آمریکایی‌ها به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کردند؛ سؤال اینجاست که چرا آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران که تحت نظارت آژانس قرار داشت حمله کرد و شورای حکام در برابر این اقدام سکوت کرد؟ این سکوت در واقع تأیید اقدام جنایتکارانه آمریکایی‌ها بود. نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به نقش کشورهای اروپایی در فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اظهار کرد: شورای حکام فراموش کرده که کشورهای اروپایی بودند که اسنپ‌ک را فعال کردند. معنای این اقدامات چیست؟ آیا جز این است که شورای حکام به مجموعه‌ای ناکارآمد تبدیل شده که نمی‌تواند

نقش مؤثری ایفا کند؟

علیرضا عباسی، نماینده مردم کرج نیز در واکنش به تصویب قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گفت: این قطعنامه بر پایه ادعاهای پوچ، بی‌اساس و واهی تنظیم شده است و بازنگری در عضویت کشورمان در پیمان NPT، یکی از پاسخ‌های قاطع و پشیمان‌کننده خواهد بود. وی افزود: بیش از نیم قرن است که جمهوری اسلامی ایران عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و در این مدت، همواره به تمامی تعهدات خود در این پیمان، بند به بند و مو به مو، پایبند بوده و آنها را به‌طور کامل اجرا کرده است. با این حال، نه تنها از حداقل حقوق مصرح در این معاهده بهره‌ای نبرده‌ایم، بلکه همواره مورد سوءاستفاده آژانس، بازرسان و جاسوسان وابسته به آن قرار گرفته‌ایم. عباسی ادامه داد: بسیاری از اطلاعات مربوط به دانشمندان هسته‌ای و تأسیسات کشور، بلافاصله در اختیار دشمنان نظام اسلامی، به‌ویژه آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی، قرار گرفته و گزارش‌های مبهم و جهت‌دار آژانس، زمینه‌ساز دخالت، تحریم، خرابکاری و حتی حملات به دانشمندان و سایت‌های هسته‌ای کشور شده است.

رشد ۶۸ درصدی وام‌دهی بانک‌ها؛ پول‌ها کجا رفت؟



بررسی آمارهای منتشرشده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد شبکه بانکی در پنج‌ماهه نخست امسال بیش از ۵ هزار و ۵۱۸ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کرده است؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۶۸.۳ درصد افزایش داشته است. مجموع تسهیلات پرداختی بانک‌ها در پنج‌ماهه نخست ۱۴۰۵ به ۵۵۱۸.۲ هزار میلیارد تومان رسید که در مقایسه با رقم ۳۲۳۳.۷ هزار میلیارد تومان در مدت مشابه سال گذشته، حدود ۲۲۳۸.۷۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. از مجموع تسهیلات پرداختی در پنج‌ماهه امسال، ۴۱۹۰.۶ هزار میلیارد تومان معادل ۷۵.۹ درصد به صاحبان کسب‌وکار، اختصاص یافته و ۱۳۲۷.۵ هزار میلیارد تومان معادل ۲۴.۱ درصد نیز در اختیار مصرف‌کنندگان نهایی یا خانوارها قرار گرفته است. با احتساب ۴۴.۵۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداختی در قالب کارت اعتباری، سهم واقعی خانوارها از کل

تسهیلات به ۲۴.۷ درصد افزایش می‌یابد.

بانک‌ها در پنج‌ماهه نخست امسال ۳۵۷۹.۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات برای تأمین سرمایه در گردش تمام بخش‌های اقتصادی پرداخت کرده‌اند که معادل ۸۵.۴ درصد کل تسهیلات پرداختی به کسب‌وکارهاست. در این مدت ۱۸۲۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش صنعت و معدن پرداخت شده که ۱۶۶۱ هزار میلیارد تومان آن، (۹۰.۹ درصد) صرف تأمین سرمایه در گردش شده است. به این ترتیب، صنعت و معدن به تنهایی ۴۶.۴ درصد از کل منابع اختصاص یافته به سرمایه در گردش اقتصاد را دریافت کرده است. بانک‌ها حدود ۱۰۰۳ هزار میلیارد تومان وام خرد (کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان) پرداخت کرده‌اند که معادل ۱۸.۲ درصد کل تسهیلات است. با احتساب کارت‌های اعتباری، مجموع تسهیلات خرد به حدود ۱۰۴۷.۵ هزار میلیارد تومان، (۱۸.۸ درصد) کل

نوبنیاد بررسی کرد؛

آیا بورس به «فاز اصلاح» می‌رود؟

بازار سهام در هفته سوم شهریورماه، یکی از پرچم‌ترین و برترین هفته‌های معاملاتی سال را پشت سر گذاشت؛ هفته‌ای که در آن شاخص کل بورس با عبور از مرز ۷۰ میلیون واحد، رکورد تازه‌ای ثبت کرد و تقاضای قدرتمند خریداران اجازه نداد افزایش عرضه‌ها به اصلاح جدی بازار منجر شود. هرچند روز چهارشنبه و در آخرین روز معاملاتی هفته گذشته فشار فروش بیشتر شد و خروج پول حقیقی نیز تحت تأثیر عرضه اوراق سلف سکه قرار گرفت، اما در مجموع، جریان معاملات همچنان به نفع تقاضا بود.

جایگزینی شرکت‌ها و بازارهای موازی، همچنان جذابیت بورس را حفظ کرده است. «مهدوی معتقد است عرضه ابزارهایی نظیر اوراق سلف سکه، رقیب مخرب سهام نیست، بلکه به عمق و نقدشوندگی کل بازار کمک می‌کند. وی تأکید دارد که با انتشار صورت‌های مالی ۶ ماهه در مهرماه، مسیر حرکت بورس با منطق بنیادی روشن‌تری ادامه خواهد یافت. رباب وفايي، دیگر کارشناس بازار سرمایه، بر ضرورت فاصله گرفتن از هیجانات تأکید کرد و گفت: «سرمایه‌گذاران باید گزارش‌های ماهانه و فصلی شرکت‌ها را بررسی کنند و با وجود ریسک‌های موجود و در صورت مساعد بودن شرایط، نیم‌نگاهی به آینده سهام و شرکت‌ها داشته باشند.»

هفته آینده: ادامه صعود یا اصلاح؟

رشد سریع بازار سهام می‌تواند انگیزه شناسایی سود و افزایش عرضه را بالا ببرد، اما در هفته گذشته حتی افزایش عرضه‌ها نیز نتوانست روند کلی بازار را معکوس کند. بر این اساس، محتمل‌ترین سناریو برای هفته جاری، ادامه روند صعودی در صورت تداوم ورود پول حقیقی و توان بازار برای جذب عرضه‌هاست؛ با این حال، انتظار تکرار رشد‌های پرشتاب هفته‌های اخیر چندان منطقی نیست. در صورت کاهش ارزش معاملات یا خروج پایدار پول حقیقی، بازار می‌تواند وارد فاز نزولی (اصلاح) شود؛ اتفاقی که به‌نظر فعالان بازار، الزاماً به معنای پایان روند صعودی نیست. انتشار صورت‌های مالی ۶ ماهه شرکت‌ها در مهرماه نیز می‌تواند تصویر روشن‌تری از وضعیت سودآوری صنایع ارائه دهد. در مجموع، بورس وارد مرحله آزمون تقاضا شده؛ مرحله‌ای که در آن ادامه ورود پول حقیقی، حفظ ارزش معاملات و توان جذب عرضه‌ها، سه متغیر تعیین‌کننده مسیر بازار خواهند بود. اگر این سه مؤلفه حفظ شوند، شانس تداوم روند صعودی سهام بالا می‌رود؛ اما اگر جریان نقدینگی ضعیف شود، بازار احتمالاً برای مدتی وارد فاز استراحت خواهد شد. عبور شاخص کل از مرز ۷۰ میلیون واحد، نیازمند هشیاری مضاعف سهامداران است. ورود به مرحله‌ای جدید از بازار، زنگ خطری جدی برای معامله‌گران هیجانی محسوب می‌شود. رشد ۹۲ درصدی از ابتدای سال، ریسک شناسایی سود و افزایش عرضه‌ها را به شدت بالا برده است؛ در چنین فضایی، هرگونه اقدام احساسی یا تعقیب کورکورانه صف‌های خرید، می‌تواند به ضررهای جبران‌ناپذیر منجر شود. کارشناسان بازار سرمایه می‌گویند: استراتژی خرید در هر قیمتی در این مقطع، راهبردی شکست خورده است.

سکه در بازار داخل، افزایش نرخ دلار و انتظارات ارزی بود؛ یعنی کاهش اونس نتوانست اثر رشد نزدیک به ۱۴ هزار و ۵۰۰ تومانی دلار را خنثی کند.

ورود ۸۵ هزار میلیارد تومان به بورس

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های قدرت تقاضا در بازار سهام، جریان نقدینگی حقیقی بود. هرچند در آخرین روز معاملاتی هفته حدود ۹۵۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد، اما در مجموع هفته گذشته، حدود ۳۲.۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد. این جریان نقدینگی در شرایطی اتفاق افتاد که بازار با افزایش عرضه‌ها نیز مواجه بود و حتی در روز چهارشنبه، عرضه اوراق سلف سکه بخشی از منابع سرمایه‌گذاران را به سمت این ابزار سوق داد. در مجموع، ورود پول تجمیعی به سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی از ابتدای سال تا ۱۸ شهریور به ۸۵.۳ هزار میلیارد تومان رسید. این رقم پس از آن به دست آمد که جریان نقدینگی در تیرماه با افت شدیدی مواجه شده بود و سپس در مرداد و شهریور، بار دیگر مسیر صعودی گرفت. در این میان، عرضه اوراق سلف سکه در آخرین روز معاملاتی، حدود ۹.۷ هزار میلیارد تومان نقدینگی را از بازار جمع کرد و نزدیک به ۱۹ هزار نفر در این عرضه مشارکت داشتند. با وجود این، بازار سهام توانست آخرین روز معاملاتی هفته گذشته را مثبت به پایان برساند و شاخص کل ۴۷ هزار واحد رشد کرد.

تاب‌آوری بورس در برابر ریسک‌ها

رشید مهدوی، کارشناس بازار سرمایه، با اشاره به روند معاملات هفته گذشته می‌گوید: «بازار سهام اکنون به مرحله‌ای از تاب‌آوری در برابر تنش‌های سیاسی و منطقه‌ای رسیده است. برخلاف دوره‌هایی که کوچک‌ترین خبر سیاسی موجب شکل‌گیری صف‌های فروش می‌شد، سهامداران امروز انعطاف بیشتری در برابر ریسک‌های سیاسی نشان می‌دهند.» او افزود: «گزارش‌های عملکرد ماهانه شرکت‌ها نشان می‌دهد شرکت‌ها هم در مقدار فروش و هم در نرخ فروش با جهش مواجه شده‌اند و تابلوی بورس بازتاب‌دهنده این از زندگی بنیادی است.» مهدوی با اشاره به جابه‌جایی نقدینگی میان صنایع گفت: «منابعی که ابتدا در گروه بانکی متمرکز شده بود، به تدریج به سمت گروه‌های بنیادی‌تر از جمله فلزات اساسی و معادن حرکت کرده است.» این کارشناس بورس همچنین رشد نرخ ارز و افزایش نرخ حواله ارزی را از عوامل اثرگذار بر سودآوری شرکت‌ها به خصوص صادرات‌محور دانست و تأکید کرد: «فاصله ارزش دلاری بازار با ارزش



نیماسهیلی
روزنامه‌نگار

شاخص کل بورس به عنوان نامگر بازار در هفته گذشته به ۹۰.۵ درصد افزایش نسبت به هفته قبل از آن، از محدوده ۶ میلیون و ۵۰۴ هزار واحد به ۷ میلیون و ۱۲۲ هزار و ۲۷۰ واحد رسید. به این ترتیب، بازدهی شاخص کل از ابتدای امسال به حدود ۹۲ درصد رسید. ارزش دلاری بازار نیز با رشد ۳۰.۳ درصدی به حدود ۱۰۱ میلیارد دلار افزایش یافت. شاخص کل هم‌وزن نیز مسیر صعودی خود را ادامه داد و از محدوده یک میلیون و ۷۹۸ هزار واحد در پایان معاملات چهارشنبه هفته قبل (۱۸ شهریور) به یک میلیون و ۹۴۲ هزار و ۳۱۸ واحد در پایان هفته رسید؛ موضوعی که نشان می‌دهد رشد بازار تنها به نمادهای بزرگ محدود نمانده و بخش گسترده‌تری از بازار در این روند مشارکت داشته است. شاخص کل فرابورس نیز در پایان معاملات هفته قبل با رشد حدود یک درصدی، به ۵۵ هزار و ۲۱۹ واحد رسید و به این ترتیب روند صعودی بازار سهام در هردو بازار اصلی ادامه یافت. از سوی دیگر، ارزش معاملات خرد سهام در هفته گذشته به طور متوسط به ۴۰ هزار و ۱۲۱ میلیارد تومان رسید.

افزایش ۱۴ هزار تومانی دلار در ۷ روز

در همین حال بازار ارز و طلا در هفته گذشته رکوردهای جدیدی را ثبت کردند. دلار در بازار آزاد غیررسمی از ۲۲۱ هزار و ۵۰۰ تومان در آغاز هفته گذشته به ۲۳۶ هزار تومان در پایان معاملات پنجشنبه رسید و ۶.۵۴ درصد افزایش یافت. هرگزمر طلای ۱۸ عیار از ۲۲ میلیون و ۸۳۵ هزار تومان به ۲۴ میلیون و ۱۸۱ هزار تومان رسید و رشد ۵.۹ درصدی را ثبت کرد. سکه طرح جدید نیز از ۲۳۴ میلیون تومان به ۲۴۱ میلیون تومان افزایش یافت. در مقابل، اونس جهانی طلا از حدود ۴۴۲۹ دلار به ۴۳۸۴ دلار در آخرین معاملات دیروز رسید که حدود یک درصد افت را ثبت کرد. عامل اصلی رشد قیمت طلا و

موج خبر

تاخت‌وتاز گرانی در بازار لبنیات؛ نرخ‌های مصوب روی کاغذ ماند

قیمت لبنیات در بسیاری از فروشگاه‌ها همچنان فاصله‌ای معنادار و چشمگیر با نرخ مصوب دولتی دارد. این شکاف قیمتی فزاینده بیش از هر چیز سفره خانواده‌هایی را تحت تأثیر قرار داده است که لبنیات را منبع اصلی تأمین پروتئین روزانه خود می‌دانند. اگرچه هدف سیاست‌گذار از تعیین نرخ دستوری، مهار تورم در سبد مصرفی مردم بود، اما در عمل هزینه‌ای که خانوار در خریدهای ماهانه می‌پردازد، بسیار فراتر از ارقام روی کاغذ است. از اواخر خردادماه برای چهار قلم کالای پرمصرف لبنی شامل شیر نایلونی، شیر بطری، ماست دبه‌ای و پنیر نرخ مصوب تعیین شد. بر اساس این مصوبه، بهای شیر نایلونی ۹۰۰ گرمی ۸۴ هزار تومان، شیر بطری کم چرب یک لیتری ۹۸ هزار تومان، پنیر یوگاف ۴۰۰ گرمی ۲۰۳ هزار تومان و ماست دبه‌ای کم چرب دو کیلوگرمی ۲۲۸ هزار تومان اعلام شد. با این حال، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد این قیمت‌ها در بازار رعایت نمی‌شوند. در بخش شیر نایلونی، در کنار نرخ مصوب، بسته‌های ۸۰۰ گرمی با قیمت ۸۴ تا ۸۸ هزار و ۲۰۰ تومان عرضه می‌شوند و شیر بطری نیز تا رقم ۱۳۷ هزار تومان (۳۹.۸ درصد بالاتر از نرخ اعلامی) به فروش می‌رسد. پنیر ۴۰۰ گرمی در قفسه‌ها با برچسب‌های ۲۵۰، ۲۶۰ و ۲۷۰ هزار تومانی به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده گرانی تا ۳۳ درصد است. در بخش ماست دبه‌ای دو کیلوگی نیز قیمت‌هایی حدود ۲۹۰ هزار تومان و حتی ۵۴۰ هزار تومان مشاهده شده که اختلافی ۱۳۲ هزار تومانی، معادل ۱۳۶.۸ درصد بالاتر از نرخ رسمی را ثبت می‌کند. از سوی دیگر، برخی شرکت‌ها با تغییر عناوین یا افزودن ویژگی‌هایی نظیر «ویتامین دی»، بستر فروش با قیمت‌های بالاتر را ایجاد می‌کنند.

اکبر فتحی، معاون امور برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی، در این باره می‌گوید: «نظارت بر کالاها به استانداران سپرده شده و در هر استان قرارگاهی باریاست‌استاندار و دبیری تعزیرات تشکیل شده است تا قیمت‌ها رصد شود و در صورت تخلف، برخورد قانونی و تعزیری صورت گیرد.» فتحی با تأکید بر اینکه اکنون پنج قلم لبنیات مشمول قیمت‌گذاری هستند، در پاسخ به افزایش مکرر قیمت‌ها گفت: «برای آنها پرونده تشکیل شده و این مهم از سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قابل استعلام است.» از سوی دیگر، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اعلام کرده است: «تا آنجا که این سازمان اطلاع دارد، تغییری در قیمت‌های اعلام‌شده این اقلام صورت نگرفته و در صورت ارائه مصداق مشخص، اقدام قانونی خواهد شد.» همچنین محمد فرید، سخنگوی انجمن صنایع لبنی، تأکید کرد: «تولیدکنندگان نمی‌توانند خارج از ضوابط تعیین‌شده قیمت‌گذاری و اقدام به فروش کنند.»

صورت حساب سنگین جنگ با ایران نشان می‌دهد؛

اقتصاد آمریکا در «وضعیت قرمز»

اقتصاد آمریکا در شرایطی به استقبال پاییز می‌رود که جنگ با ایران، برخلاف وعده‌های همیشگی واشنگتن درباره «کنترل هزینه‌ها»، به یکی از عوامل افزایش هزینه برای شهروندان آمریکایی تبدیل شده است. نفت دوباره از مرز ۱۰۰ دلار عبور کرده، قیمت بنزین و گازوئیل جهش یافته، تورم همچنان فاصله محسوسی با هدف فدرال رزرو دارد. در این شرایط بازه

اوراق خزانه‌داری به سطوحی نگران‌کننده رسیده است. هم‌زمان، بازارها احتمال افزایش نرخ بهره را بالا ارزیابی می‌کنند؛ به این ترتیب، دونالد ترامپ که وعده کاهش هزینه‌ها و رونق اقتصادی داده بود، اکنون با اقتصادی روبه‌روست که جنگ، هزینه انرژی، تورم و هزینه استقرار را افزایش داده است.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

اقتصاد آمریکا در روزهای پایانی هفته گذشته آماج اعداد و ارقامی کابوس‌وار بود. ابتدا قیمت نفت با عبور از مرز ۱۰۰ دلار سه رقمی شد؛ سپس بهای گازوئیل به رکورد تاریخی ۶ دلار در هر گالن رسید؛ پس از آن نوبت به داده‌های تورم تولیدکننده رسید که فراتر از انتظارات بود و پدیده آخرین آتش بازی رسیدن نرخ بازده اوراق بدهی آمریکا به بالاترین ارقام دو دهه اخیر بود. بازار نفت شاید صریح‌ترین صورت حساب اقتصادی جنگ آمریکا با ایران باشد. قیمت نفت برنت در معاملات هفته گذشته بار دیگر از ۱۰۰ دلار عبور کرد و در حتی به حدود ۱۱۰ دلار رسید. نفت وست‌تگزاس اینترمیدیت نیز بالای ۱۰۰ دلار قرار گرفت. هردو شاخص نفتی طی هفته حدود ۱۳ درصد افزایش یافتند. برای اقتصاد آمریکا، افزایش قیمت نفت فقط به معنای گران‌تر شدن نفت خام نیست. اقتصاد این کشور به شبکه‌ای گسترده از حمل‌ونقل، کشاورزی و صنایع وابسته به فرآورده‌های نفتی متکی است؛ بنابراین هر بیشکه نفت گران‌تر، در نهایت خود را در هزینه تولید و قیمت نهایی مصرف‌کننده نشان می‌دهد.

گازوئیل؛ رنگ خطر بزرگ‌تر

اگر نفت را بتوان شاخصی برای معامله‌گران و شرکت‌های انرژی دانست، بنزین شاخصی است که مستقیماً وارد زندگی خانوار آمریکایی می‌شود. میانگین قیمت بنزین معمولی در آمریکا در ماه اوت حدود ۴۰،۱۹ دلار در هر گالون بود؛ رقمی بالاتر از ۴۰،۶۴ دلار ثبت‌شده در ژوئیه. اکنون نگرانی اصلی این است که استمرار قیمت بالای نفت، روند صعودی قیمت سوخت را تداوم بخشد. به بیان دیگر، جنگی که قرار بود هزاران کیلومتر دورتر از خاک آمریکا مدیریت شود، اکنون از مسیر پمپ بنزین‌ها به سبد هزینه خانوار آمریکایی بازگشته است. قیمت گازوئیل در آمریکا از ۶ دلار در هر گالون عبور کرده و افزایش شدید آن، هزینه حمل‌ونقل و تولید را تحت فشار گذاشته است. گازوئیل سوخت اصلی کامیون‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی، تجهیزات صنعتی و بخش عمده زنجیره توزیع کالا است؛ بنابراین افزایش بهای آن برخلاف بنزین، اثر خود را به طیف بسیار گسترده‌تری از کالاها منتقل می‌کند. داده‌های تورم تولیدکننده نیز این فشار را تأیید می‌کند. قیمت گازوئیل در ماه اوت حدود ۲۴ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافت و هزینه انرژی تولیدکنندگان

نیز با رشدی ۴۰۲ درصدی روبه‌رو شد. در نتیجه، جنگ صرفاً یک «شوک نفتی» ایجاد نکرده، بلکه خطر تبدیل شدن به یک شوک هزینه‌ای گسترده برای اقتصاد آمریکا را به همراه آورده است.

تورم؛ درد سر بزرگ ترامپ

مشکل بعدی این است که تورم در آمریکا هنوز به هدف ۲ درصدی فدرال رزرو بازنگشته است. تورم مصرف‌کننده همچنان بالاتر از سطح مطلوب بانک مرکزی قرار دارد و داده‌های بخش تولید نیز حاوی خبرهای خوشایندی برای سیاست‌گذاران آمریکایی نیست. شاخص قیمت تولیدکننده در اوت ۰،۴ درصد افزایش یافت و نرخ رشد سالانه آن به ۵،۴ درصد رسید. این افزایش نشان می‌دهد که فشار قیمتی در بخش تولید همچنان بالاست و افزایش هزینه انرژی می‌تواند در ماه‌های آینده به بخش‌های بیشتری از اقتصاد سرایت کند. تورم مصرف‌کننده نیز همچون ماه گذشته و مطابق پیش‌بینی‌ها روی ۳،۴ درصد ثابت ماند و روند کاهشی آن متوقف شد. نکته مهم آنکه افزون بر یک‌سوم از تورم ماه گذشته در اقتصاد آمریکا، ناشی از افزایش بهای بنزین بوده است.

با توجه به وخیم‌تر شدن بهای انواع سوخت در ماه سپتامبر، تشدید تورم در ماه‌های آتی بسیار محتمل خواهد بود. بازارها اکنون احتمال افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای نرخ بهره توسط فدرال رزرو در نشست سپتامبر را حدود ۷۰ درصد ارزیابی می‌کنند. ترامپ بارها خواستار نرخ بهره پایین‌تر نبوده است؛ زیرا نرخ بهره پایین، هزینه استقرار را کاهش می‌دهد، بازار سهام را تقویت می‌کند و شرایط مالی را برای دولت و شرکت‌ها تسهیل می‌سازد، اما مأموریت اصلی فدرال رزرو مهار تورم است. رئیس‌جمهوری که خواهان پول ارزان‌تر است، با سیاست خارجی خود یکی از مهم‌ترین محرک‌های تورم را شعله‌ور کرده و همین مسئله، دست فدرال رزرو را برای کاهش نرخ بهره بسته است.

دیگر خبری از رأی اعتماد همیشگی نیست

فشار دیگری نیز در بازار اوراق خزانه‌داری آمریکا در حال شکل‌گیری است. بازده اوراق ۱۰ ساله به مرز ۵ درصد نزدیک شده و بازده اوراق ۳۰ ساله به حدود ۵،۴ درصد رسیده است؛ سطوحی که نشان‌دهنده افزایش چشمگیر هزینه تأمین مالی در اقتصاد آمریکاست. افزایش بازده اوراق دلایل متعددی دارد؛ از تورم و انتظارات نرخ بهره گرفته تا حجم عظیم بدهی و

کسری بودجه دولت آمریکا. پیام این وضعیت کاملاً روشن است؛ سرمایه‌گذاران برای نگهداری بدهی بلندمدت دولت آمریکا، بازدهی بیشتری مطالبه می‌کنند. دولت آمریکا اکنون باید برای استقرار بیشتر، هزینه بالاتری بپردازد و این برای دولتی با بدهی هنگفت و کسری بودجه سنگین، خبر ناگواری است. هرچه بازده اوراق بالاتر برود، هزینه بهره‌ای که دولت متحمل می‌شود نیز افزایش می‌یابد. این بدان معناست که بخش بزرگ‌تری از منابع بودجه عمومی باید صرف پرداخت سود بدهی‌ها شود؛ منابعی که می‌توانست در زیرساخت‌ها، خدمات عمومی یا طرح‌های توسعه اقتصادی هزینه شود. در این میان، هزینه‌های سرسام‌آور جنگ نیز مزید بر علت شده است. جنگ آمریکا با ایران نه تنها قیمت انرژی و تورم را بالا می‌برد، بلکه به واسطه رشد هزینه‌های نظامی، فشار مضاعفی بر بودجه دولت ترامپ وارد کرده است. افزایش نرخ سود اوراق صرفاً چالشی برای وزارت خزانه‌داری آمریکا نیست. نرخ‌های بهره بلندمدت به سرعت به بازار مسکن و اعتبارات مصرفی سرایت می‌کنند. نرخ وام مسکن ۳۰ ساله از ۷ درصد فراتر رفته است؛ این یعنی خرید خانه برای خانوار آمریکایی گران‌تر و دسترسی به تسهیلات مالی دشوارتر شده است. فدرال رزرو عملاً بر سردوراهی دشوار «تورم بیشتر» یا «رشد اقتصادی کمتر» قرار گرفته است؛ انتخابی که پیامد آن در هر صورت برای کاخ سفید مطلوب نخواهد بود. فدرال رزرو احتمالاً ناچار خواهد بود برای جلوگیری از تثبیت تورم در ارقام بالا، نرخ بهره را بالا نگه دارد یا حتی آن را افزایش دهد. در این صورت، پیامدهای یک جنگ خارجی مستقیماً به ابزار سیاست‌گذاری پولی داخلی آمریکا تحمیل خواهد شد.

دولت ترامپ اکنون با اقتصادی مواجه است که چندین چراغ هشدار آن به‌طور هم‌زمان روشن شده‌اند؛ نفت بالای ۱۰۰ دلار، بنزین و گازوئیل گران، تورم فراتر از هدف‌گذاری، افزایش نرخ سود اوراق به نزدیک ۵ درصد (افزایش هزینه استقرار و بدهی) و احتمال بالای افزایش نرخ بهره. این زنجیره دقیقاً در تضاد با تصویری است که دولت ترامپ ترسیم می‌کرد؛ تصویری که در آن کاهش هزینه‌ها، رونق اقتصادی و تقویت قدرت خرید، قرار بود دستاوردهای بنیادین دولت باشند. این وضعیت نشان می‌دهد که صورت حساب سیاست خارجی را نمی‌توان از حساب و کتاب اقتصاد داخلی جدا کرد.

نض بازار

چرا نفت ۲۰۰ دلاری نشد؟

بازار جهانی نفت در ماه‌های اخیر، تحت تأثیر اختلال در عرضه نفت خاورمیانه و محدودیت عبور محموله‌ها از تنگه هرمز، با یکی از جدی‌ترین شوک‌های عرضه در سال‌های اخیر مواجه شده است. با وجود این، قیمت نفت برخلاف برخی پیش‌بینی‌ها به سطوح ۱۵۰ یا ۲۰۰ دلار نرسید؛ موضوعی که روایت‌های گوناگونی درباره دلایل آن شکل داده است. برخی تحلیل‌ها نقش چین را در این میان پررنگ می‌دانند و معتقدند این کشور با کاهش واردات و استفاده از ذخایر نفتی خود، بخشی از فشار بازار را مهار کرده و مانع جهش بیشتر قیمت نفت شده است. رابین بروکس، اقتصاددان ارشد اندیشکده بروکینگز این روایت را رد می‌کند و بر این باور است که کاهش واردات چین را نباید اقدامی عامدانه برای مهار قیمت جهانی نفت دانست. بروکس در یادداشتی با عنوان «چین قیمت جهانی نفت را محدود نکرد» نوشت: «دو روایت درباره جلوگیری از جهش شدید قیمت نفت شکل گرفته است؛ نخست، احتمال مداخله آمریکا در بازارهای آتی نفت و دوم، نقش چین در کاهش واردات و برداشت از ذخایر نفتی.» او می‌افزاید که کاهش واردات نفت این کشور بیشتر نتیجه اختلال در عرضه و محدودیت‌های ایجادشده در مسیرهای انتقال نفت بوده است. چین در این شرایط، مانند سایر کشورهای آسیایی، با مشکل دسترسی به نفت مواجه شد و استفاده از ذخایر داخلی نیز واکنشی طبیعی به این وضعیت بود، نه اقدامی با هدف تثبیت قیمت جهانی نفت.

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های بروکس برای رد نقش چین به عنوان «تثبیت‌کننده بازار نفت»، مقایسه رفتار وارداتی این کشور با ژاپن است. براساس داده‌هایی که او بررسی کرده، واردات نفت چین در ماه آوریل حدود ۲۴ درصد نسبت به میانگین سال ۲۰۲۵ کاهش یافته، در حالی که این رقم برای ژاپن حدود ۵۷ درصد بوده است. بروکس معتقد است اگر چین قصد داشت با کاهش خرید نفت و استفاده از ذخایر خود قیمت جهانی را پایین نگه دارد، انتظار می‌رفت افت واردات این کشور نسبت به سطح معمول بسیار شدیدتر باشد. از این منظر، رفتار چین تفاوت بنیادینی با سایر مصرف‌کنندگان آسیایی نداشته است و نمی‌توان کاهش واردات این کشور را به تنهایی نشانه دخالت پکن در بازار جهانی نفت دانست. اما پرسش مهم‌تر این است که اگر چین عامل اصلی مهار بازار نبوده، چرا نفت به ۲۰۰ دلار نرسید؟ پاسخ بروکس به این پرسش به سازوکار عرضه و تقاضا بازمی‌گردد. او تأکید می‌کند که بازار برای ایجاد تعادل پس از یک شوک عرضه، الزاماً به قیمت‌های بسیار بالایی مانند ۲۰۰ دلار نیاز ندارد؛ بلکه افزایش قیمت نفت تا محدوده حدود ۱۲۵ دلار می‌تواند برای ایجاد کاهش لازم در تقاضا کافی باشد. به بیان دیگر، زمانی که عرضه نفت کاهش می‌یابد، افزایش قیمت خود موجب تغییر رفتار مصرف‌کنندگان، کاهش مصرف و تعدیل تقاضا می‌شود. در چنین شرایطی، بازار بخشی از شوک عرضه را از طریق سازوکار قیمت جذب می‌کند و به همین دلیل، ممکن است قیمت نفت حتی با وجود یک اختلال بزرگ در عرضه، به بالاترین سناریوهای پیش‌بینی‌شده نرسد.

البته رد این گزاره که چین «عامدانه» قیمت نفت را مهار کرده است، به معنای کم‌اهمیت بودن این کشور برای بازار جهانی نیست. چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان است و ذخایر نفتی درخور توجهی دارد؛ بنابراین هرگونه تغییر در واردات، مصرف یا ذخیره‌سازی این کشور می‌تواند اثر مستقیمی بر توازن بازار جهانی بگذارد. در نهایت، نرسیدن نفت به ۳۰۰ دلار را می‌توان حاصل مجموعه‌ای از عوامل دانست؛ از تعدیل تقاضا در اثر افزایش قیمت و استفاده از ذخایر گرفته تا تغییر مسیر تجارت نفت و واکنش سایر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان. به این ترتیب، پرسش اصلی بازار نفت دیگر این نیست که چه میزان عرضه از بازار حذف شده است، بلکه باید دید چین و سایر مصرف‌کنندگان تا چه اندازه می‌توانند این شوک را از طریق ذخایر، کاهش مصرف و تغییر مسیر تأمین نفت مهار کنند.

قیمت نفت زیر ۷۰ دلار نمی‌آید

مجید شاکری
اقتصاددان با
اشاره به شرایط
کنونی اقتصاد
آمریکا می‌گوید:
چشم‌اندازی که
ترامپ مطرح می‌کند

مبنی بر اینکه
پس از انتخابات
میان‌دوره‌ای، قیمت
نفت ناگهان نصف
شود یا به ۴۰ دلار
برسد، در هیچ‌یک
از سناریوهای
مشاوران و بانک‌های
سرمایه‌گذاری
جهان وجود ندارد.
بازار مدت‌هاست
از حجم عظیمی
از ذخایر خود

به‌عنوان ضربه‌گیر
در برابر شوک قیمتی
استفاده کرده و
اکنون دست‌کم
باید آن ذخایر را
جایگزین کند؛
بنابراین، افزایش
قیمت صرفاً بر
پایه هیجان نبوده
است که با تخلیه
هیجان، ناگهان
افت کند. آمریکا
از تمام ابزارهای
موجود بهره‌گرفت
و کشورهایی مانند
هند و آفریقای
جنوبی نیز که پیش
از این جرقه فاقد
ذخایر راهبردی به
معنای متداول در
آمریکا و چین بودند،
پس از عادی شدن
شرایط بی‌درنگ به
دنبال ایجاد و پر
کردن ذخایر نفتی
خود خواهند بود. با
توجه به این شرایط،
هیچ سناریویی
وجود ندارد که تا
پایان سال، حتی در
صورت توقف فوری
جنگ در همین
لحظه، قیمت نفت
را به زیر ۷۰ دلار
بازگرداند.

بین الملل

دمشق؛ زیر باران گلوله‌های صهیونیستی



به گزارش شبکه خبری المیادین، منابع سوری از تداوم حملات و تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب سوریه خبر دادند. الاخباریه سوریه گزارش داد که نیروهای اشغالگر اراضی زراعی در غرب شهر «بیت جن» در حومه غربی دمشق را با توپخانه گلوله باران کردند.

همچنین منابع سوری اعلام کردند که نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی با خودروهای نظامی وارد شهرک «الرفید» در جنوب استان قنیطره سوریه شدند.

نظامیان صهیونیست در جریان این یورش به شماری از منازل حمله و دو نفر را بازداشت کردند. ارتش رژیم اشغالگر همچنان به یورش و حملات نظامی خود به جنوب سوریه از طریق هواپیماهای جنگی و پهپادها، ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان، تیراندازی‌های بی‌هدف، دستگیری‌های تقریباً روزانه، ایجاد ایست‌های بازرسی، بررسی هویت رهگذران، ایجاد موانع و جلوگیری از رسیدن کشاورزان به زمین‌هایشان و چوپانان به مراتع آنها ادامه می‌دهد.

آنچه در جنوب سوریه جریان دارد، بخشی از سیاست اشغالگری و تحمیل اراده نظامی بر کشورهای منطقه است. رژیمی که خود را مدعی امنیت معرفی می‌کند، در عمل با نقض حاکمیت سرزمینی

سوریه و ایجاد فشار بر غیرنظامیان، ناامنی را به یکی از ابزارهای اصلی خود برای پیشبرد اهداف توسعه طلبانه تبدیل کرده است. این رفتار همچنین نشان می‌دهد که اشغالگری صهیونیستی محدود به یک جغرافیا نیست و هر جا که فرصت و خلأ قدرتی وجود داشته باشد، تلاش می‌کند دامنه نفوذ و حضور خود را گسترش دهد. در چنین شرایطی، سکوت و انفعال در برابر این تجاوزات، عملاً به معنای باز گذاشتن دست رژیم صهیونیستی برای تداوم سیاست‌های اشغالگرانه و بی‌ثبات‌کننده آن در منطقه است.

معادله امنیتی عربستان و آمریکا در دریای سرخ فروپاشید

باب‌المنذب
زیر پای انصارالله

پیشروی برق‌آسای نیروهای انصارالله در ساحل غربی یمن و رسیدن آنها به ذباب، المخا و جزیره راهبردی میون، معادله قدرت در باب‌المنذب را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. جایی که شکست نیروهای مورد حمایت عربستان، اکنون به تهدیدی مستقیم برای یکی از مسیرهای حیاتی انرژی ریاض تبدیل شده و همزمان واشنگتن را در برابر انتخابی دشوار قرار داده است. ورود به یک جنگ فرسایشی تازه در یمن یا پذیرفتن اینکه متحد سعودی‌اش دیگر قادر به مهار انصارالله نیست.

و رسیدن به ذباب، یک زنجیره جغرافیایی ایجاد کرده که از ساحل یمن تا دهانه دریای سرخ امتداد می‌یابد. کنترل ذباب و میون برای در اختیار گرفتن باب‌المنذب اهمیت اساسی دارد.

این یعنی معادله جنگ تغییر کرده است. انصارالله یگرفقط یک بازیگر نیست که از فاصله دور به کشتی یا تأسیسات نفتی حمله کند بلکه در حال ایجاد یک عمق جغرافیایی در امتداد ساحل دریای سرخ است.

واشنگتن با یک انتخاب تلخ روبه‌روست
شاید مهم‌ترین نشانه اهمیت پیشروی انصارالله در رفتار محمد بن سلمان باید دید. آکسیوس گزارش داده است که ولیعهد سعودی پنجشنبه دو بار با دونالد ترامپ تماس گرفت و از او خواست آمریکا علیه انصارالله وارد عمل شود و واشنگتن نیز این موضوع را نپذیرفته است.

چراکه آمریکا با مشکلات دیگری مواجه است. واشنگتن درگیر تنگه هرمز و رویارویی با ایران است و نمی‌خواهد یک جبهه دیگر در یمن باز کند. جبهه‌ای که پیش از این تجربه شکست تلخ را در آن چشیده است و هزینه‌های گزافی را پرداخته است.

این یعنی آمریکا در برابر یک معمای واقعی قرار گرفته است. اگر وارد جنگ شود، یک جبهه تازه به جنگ موجود اضافه می‌کند و اگر وارد نشود، عربستان باید هزینه شکست نیروهای تحت حمایتش را بپردازد و انصارالله قدرتمندتر می‌شود.

شاید تلخ‌ترین واقعیت برای ریاض همین باشد که عربستان برای شکست انصارالله وارد جنگ یمن شد اما امروز برای متوقف کردن پیشروی همان نیرو، از آمریکا کمک می‌خواهد.

و رسیدن به ذباب، یک زنجیره جغرافیایی ایجاد کرده که از ساحل یمن تا دهانه دریای سرخ امتداد می‌یابد. کنترل ذباب و میون برای در اختیار گرفتن باب‌المنذب اهمیت اساسی دارد.

این یعنی معادله جنگ تغییر کرده است. انصارالله یگرفقط یک بازیگر نیست که از فاصله دور به کشتی یا تأسیسات نفتی حمله کند بلکه در حال ایجاد یک عمق جغرافیایی در امتداد ساحل دریای سرخ است.

ضره‌ای کاری و همیشگی به مسیر سعودی‌ها

خط لوله شرق - غرب عربستان نفت را از مناطق شرقی کشور به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ منتقل می‌کند و ظرفیت آن به ۷ میلیون بشکه در روز می‌رسد. حدود ۵ میلیون بشکه از این ظرفیت می‌تواند برای صادرات مورد استفاده قرار گیرد. در جریان بسته شدن تنگه هرمز، عربستان صادرات نفت از ینبع را به شدت افزایش داده است.

دریای سرخ و باب‌المنذب قرار بود راه فرار عربستان از این گلوگاه در سال‌های آتی برای کاهش وابستگی به هرمز باشد. حالا انصارالله قیفاً کنترل کامل و نظارت دقیق بر این مسیر دارد و جزیره در باب‌المنذب را تصرف کرده است.

سعودی‌ها برای دور زدن هرمز، به مسیر ینبع و باب‌المنذب دل خوش کرده بودند اما اکنون نیرویی که سال‌ها نتوانستند از میان برش دارد، به دروازه همین مسیر رسیده است. در صورت حفظ این موقعیت استراتژیک توسط انصارالله هرگونه اقدام عربستان علیه آنها حتی بدون



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

دست به دامان
ترامپ

شاید مهم‌ترین نشانه اهمیت پیشروی انصارالله در رفتار محمد بن سلمان باید دید. آکسیوس گزارش داده است که ولیعهد سعودی پنجشنبه دو بار با دونالد ترامپ تماس گرفت و از او خواست آمریکا علیه انصارالله وارد عمل شود و واشنگتن نیز این موضوع را نپذیرفته است. چراکه آمریکا با مشکلات دیگری مواجه است. واشنگتن درگیر تنگه هرمز و رویارویی با ایران است و نمی‌خواهد یک جبهه دیگر در یمن باز کند. جبهه‌ای که پیش از این تجربه شکست تلخ را در آن چشیده است و هزینه‌های گزافی را پرداخته است.

یادداشت

زنگ خطر
اشغال جنوب لبنانمحسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

رژیم صهیونیستی آرام آرام در حال تغییر دادن «واقعیت میدانی» در جنوب لبنان است و اگر این روند با یک پاسخ بازدارنده متوقف نشود، بعید نیست مذاکرات بعدی لبنان و رژیم صهیونیستی نه دربارہ خروج صهیونیست‌ها، بلکه درباره این باشد که تل‌آویو با چه عنوانی قرار است در بخش‌هایی از جنوب لبنان، از جمله ارتفاعات راهبردی علی‌الطاهر، باقی بماند!

رژیم صهیونیستی پس از ماه‌ها عملیات، از انهدام تأسیسات علی‌الطاهر سخن می‌گوید. به گفته برخی منابع رژیم، از ۱۴ مسیر تونل با طول بیش از ۴/۵ کیلومتر و استفاده از حدود ۱۱۰۰ تن مواد منفجره. وزیر جنگ رژیم نیز مدعی شده است که پس از این عملیات، منطقه امن قوی‌تری برای تشدید کنترل و تهدید حزب‌الله در عمق لبنان ایجاد شده است. این اظهارات را نباید صرفاً مصرف تبلیغاتی دانست. پشت این ادعا یک راهبرد روشن وجود دارد: تثبیت اشغال، گسترش منطقه حائل و تبدیل دستاورد موقت نظامی به واقعیت دائمی سیاسی.

استفاده از ۱۱۰۰ تن مواد منفجره در علی‌الطاهر شاید هنوز برخی را از خواب بیدار نکرده باشد! اما اگر این حجم از انفجار و تخریب، اشغال ارتفاعات راهبردی و اعلام صریح صهیونیست‌ها مبنی بر اینکه «منطقه را ترک نمی‌کنیم» نتواند حساسیت ایجاد کند، دیگر چه اتفاقی باید بیفتد تا خطر برای لبنان جدی گرفته شود؟

بدتر آنکه تجربه گذشته نیز پیش روی ماست. تفاهم‌نامه اسلام‌آباد که برخی آن را دستاورد می‌دانستند، در همان بند نخست خود عملاً ضمانت اجرایی پیدا نکرد و رژیم صهیونیستی از همان زمان به حملات و تجاوزات خود علیه لبنان ادامه داد. تنها تغییری که حاصل شد، توقف حملات مستقیم به بیروت بود؛ آن‌هم نه به دلیل تعهد تل‌آویو به تفاهم‌نامه، بلکه در سایه تهدید روشن ایران مبنی بر اینکه اگر بیروت را بزنید، تل‌آویو را می‌زنیم.

اکنون نیز اگر قرار باشد جنوب لبنان صرفاً در میز مذاکره تعیین تکلیف شود، باید پرسید دشمن با چه دستاوردی وارد آن میز خواهد شد؟ با موضعی که تصرف کرده، زیرساخت‌هایی که منهدم کرده و واقعیتی که روی زمین ساخته است. در چنین شرایطی، مذاکره می‌تواند چگونه اسرائیل را بیرون کند؟ اینجاست که جمهوری اسلامی ایران باید معادله را تغییر دهد. همان‌گونه که زمانی تهدید حمله به بیروت با تهدید متقابل علیه تل‌آویو پاسخ گرفت، امروز نیز باید یک بازدارندگی منطقه به منطقه شکل بگیرد. اگر رژیم صهیونیستی در علی‌الطاهر تثبیت شود، باید بداند هزینه آن را در نقطه‌ای دیگر خواهد پرداخت.

این به معنای ورود شتاب‌زده به جنگ نیست بلکه منطق بازدارندگی برای جلوگیری از جنگ است. دشمن باید بداند هر متر پیشروی در خاک لبنان، برایش یک هزینه قطعی و قابل محاسبه ایجاد خواهد کرد.

یادداشت

وتوی روسی چینی
مقابل پروژه آمریکاییپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

نشست پنجشنبه شورای امنیت درباره ایران یک واقعیت را عریان‌تر از همیشه نشان داد. آمریکا و اروپا هنوز تصور می‌کنند می‌توانند با بیرون کشیدن پرونده ایران از بایگانی شورای امنیت، همان ماشین فرسوده فشار، تحریم و تهدید را دوباره به کار ببندازند؛ غافل از اینکه بخش مهمی از ابزارهای فشار خود را پیش‌تر مصرف کرده‌اند. آمریکا به ایران حمله کرده، جنگ به راه انداخته، تحریم‌های حداکثری را اعمال کرده، محاصره اقتصادی را پیش برده و حتی تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داده است. حالا غرب به دنبال چیست؟ یک مَهرشورای امنیت برای توجیه اقداماتی که پیش از این هم بدون آن انجام داده است!

آنچه در شورای حکام و سپس در شورای امنیت جریان دارد، بیش از آنکه یک روند حقوقی بی‌طرفانه باشد، بخشی از یک عملیات سیاسی هماهنگ برای بازسازی فشار علیه ایران است. آمریکا و سه کشور اروپایی می‌کوشند با صدور قطعنامه‌های جدید، احیای تحریم‌ها و زنده کردن سازوکارهای منقضی‌شده، برای اقدامات خود یک پوشش حقوقی دست‌وپا کنند.

مسکو و پکن در شورای حکام و نشست پنجشنبه شورای امنیت نشان دادند که قرار نیست به‌سادگی اجازه دهند آمریکا و اروپا از این نهاد به‌عنوان ماشین صدور مجوز سیاسی برای فشار علیه ایران استفاده کنند. نماینده روسیه صراحتاً نشست را فاقد مبنای لازم دانست و تأکید کرد که مسکو اجازه بازگشت تحریم‌ها علیه ایران را نخواهد داد. نبنزیا همچنین حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران را غیرقانونی و خطرناک خواند و سوءاستفاده از شورای امنیت برای تسویه حساب سیاسی را رد کرد.

چین نیز با تأکید بر پایان یافتن مأموریت مرتبط با قطعنامه ۲۲۳۱، تلاش برای احیای اجباری تحریم‌ها و برگزاری نشست بر مبنای دستورکاری که از نظر پکن دیگر وجود ندارد را زیر سؤال برد. این یعنی غرب حتی برای بازسازی اجماع سیاسی مورد نیاز خود در شورای امنیت نیز با دیوار مخالفت و وتوی دو قدرت بزرگ مواجه است.

اما حتی فراتر از مواضع چین و روسیه، یک سؤال اساسی پیش روی پروژه غرب قرار دارد: شورای امنیت قرار است چه ابزار تازه‌ای علیه ایران رو کند؟ آمریکا سنگین‌ترین تحریم‌ها را اعمال کرده، فشار اقتصادی را به نهایت رسانده، محاصره ایجاد کرده و وارد جنگ مستقیم شده است. وقتی واشنگتن بدون مجوز شورای امنیت جنگ را آغاز می‌کند و تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران می‌کند، قطعنامه بعدی شورای امنیت قرار است چه کار بیشتری انجام دهد؟ آنها ابتدا حمله می‌کنند، تحریم می‌کنند و محاصره می‌کنند و بعد به دنبال قطعنامه‌ای می‌گردند تا برای همان رفتارها عنوان «مشروعیت بین‌المللی» بسازند.

با این حال، پیام پنجشنبه روشن بود: شورای امنیت دیگر آن چماق بی‌رقیب سابق در دست آمریکا و اروپا نیست.

ایران نباید
برای واشنگتن
زمان بخرد

درست زمانی
که جنگ در
خلیج فارس،
دریای مکران،
باب‌المندب و
جنگ نفتکش‌ها،
ریسک عرضه
جهانی را افزایش
داده و نفت را تا
آستانه ۱۱۰ دلار
رسانده بود،
سیگنال‌های
دیپلماتیک تهران
بار دیگر بازار را
آرام کرد. تماس
عراقچی با عاصم
منیر و خبر مذاکره
درباره هرمز،
همان فرصتی را
برای آمریکا فراهم
کرد که فشار نفتی
را کاهش دهد؛
روندی که نباید
از کنار آن ساده
گذشت.

نفت تا آستانه ۱۱۰ دلار رفت، اما بازهم یک سیگنال دیپلماتیک نسنجیده از سوی وزارت خارجه آن را عقب راند

وزیر کاهش قیمت نفت

دیپلماتیک از تهران بار دیگر همان نگرانی قدیمی را زنده کرد؛ اینکه درست هنگامی که فشار اقتصادی بر آمریکا افزایش می‌یابد، برخی مسئولان ایرانی ناخواسته با ارسال سیگنال مذاکره، به کاهش قیمت نفت و تنفس اقتصادی واشنگتن کمک می‌کنند.

در حالی که تبادل آتش سنگین ایران و آمریکا در خلیج فارس و دریای مکران، حملات موشکی ایران به اردن، جنگ نفتکش‌ها و سیطره کامل انصارالله بر تنگه باب‌المندب بازار انرژی را به سمت نفت ۱۱۰ دلاری سوق داده بود، مجموعه‌ای از مواضع و تحرکات

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

بشکه افزایش یافته بود. «به بیان ساده، یک سیگنال سیاسی از تهران توانست بخشی از همان ریسکی را که قیمت نفت را بالا برده بود، از بازار خارج کند. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم آمریکا در شرایط عادی هم با محدودیت ذخایر اضطراری خود مواجه است. الجزیره در این زمینه عنوان می‌کند: «بر اساس داده‌های مطرح‌شده، ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به حدود ۲۸۵ میلیون بشکه رسیده که پایین‌ترین سطح در حدود ۴۴ سال گذشته است. از آغاز جنگ در اوایل فوریه نیز این ذخایر حدود ۳۱ درصد کاهش یافته است. آمریکا در ماه مارس از آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه خبر داد و بخش عمده این میزان تاکنون از ذخایر خارج شده است.» همزمان با تشدید فشارها، گزارش‌هایی درباره هدف قرار گرفتن خط لوله شرق - غرب عربستان منتشر شد؛ خطی که نفت را از بقیق در سواحل خلیج فارس به یمن در دریای سرخ منتقل می‌کند. اگر مسیرهای جایگزین نیز ناامن شوند، مزیت جغرافیایی و راهبردی ایران و محور مقاومت در معادله انرژی افزایش پیدا می‌کند. اما به جای استفاده از این موقعیت برای افزایش هزینه راهبردی آمریکا، بار دیگر ادبیات «کاهش تنش» و «تسهیل عبور کشتی‌ها» برجسته شد.

رد پای مشکوک!

عراقچی در دو سال وزارت بارها نشان داده که در عمل، بیش از آنکه از تجربه برجاسی خود عبرت گرفته و دور شده باشد، به نسخه‌ای رندانه تری از همان رویکرد نزدیک شده است؛ یعنی تلاش می‌کند با مواضع ظاهراً انقلابی، خود را از سیل انتقادات ملت ایران که در دوره ظریف متوجه دستگاه دیپلماسی شد، دور نگه دارد. اما خروجی دو سال گذشته چیست؟ سه دور جنگ پس از سه دور مذاکره فریب؛ جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۳۹ روزه و نبرد ۱۷ روزه و سپس کشمکش بر سر هرمز و تفاهم‌نامه‌ای که طرف آمریکایی عملاً آن را کاغذ پاره می‌خواند.

تحولات روزهای گذشته می‌توانست دوباره یکی از مهم‌ترین اهرم‌های اقتصادی ایران در برابر آمریکا را تقویت کند. تبادل آتش سنگین در خلیج فارس و دریای مکران، حملات موشکی ایران به اردن، جنگ نفتکش‌ها و سپس پیشروی انصارالله در مناطق المخا و در نهایت منطقه العرضی و جزیره پریم یعنی کانون تنگه باب‌المندب، فشار کم‌سابقه‌ای بر مسیرهای انرژی وارد کرد. برنت تا نزدیکی ۱۱۰ دلار بالا رفت. اما درست در چنین شرایطی، نگرانی ملت ایران دوباره به حقیقت پیوست و مواضع و رفتار حساب نشده مسئولان ارشد دیپلماسی به کمک آمریکا آمد. دوباره پای «میانجی‌ها» به میان آمد؛ رویترز گزارش داد «عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، با عباس عراقچی تماس تلفنی برقرار کرده و درباره راه‌های کاهش تنش، امکان بازگشت به روند مذاکرات و تحولات مرتبط با حملات انصارالله گفت‌وگو کرده است.» معنای سیاسی این تماس، فارغ از نیت اعلام‌شده آن، برای بازار روشن بود: کانال کاهش تنش دوباره فعال شده است.

فایننشال تایمز نیز به همین واقعیت پرداخت و از احتمال دیدار عراقچی با وزیرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در عمان و گفت‌وگو درباره سازوکاری موقت برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز خبر داد و نوشت: «آرامش نسبی در بازار اوراق قرضه در شرایطی شکل گرفت که قیمت نفت پس از انتشار گزارش‌هایی مبنی بر اینکه قرار است وزرای کشورهای حاشیه خلیج فارس هفته آینده با ایران دیدار کنند تا برای دستیابی به توافقی جهت دسترسی موقت به تنگه هرمز تلاش کنند، کاهش یافت. قیمت نفت خام برنت در معاملات اولیه لندن ۲ درصد کاهش یافت و به ۱۰۵.۴۵ دلار در هر بشکه رسید؛ این در حالی بود که قیمت آن طی معاملات شبانه تا نزدیکی ۱۱۰ دلار در هر

اکنون می‌توان گفت عراقچی، ناخواسته، بیش از بسیاری از مقام‌های آمریکایی از جمله اسکات بنست در کنترل قیمت نفت به نفع واشنگتن نقش ایفا کرده است؛ زیرا هرگاه فشار نظامی و امنیتی، ریسک عرضه را بالا برده و قیمت نفت را به نقطه‌ای دردناک برای آمریکا رسانده، مواضع نسنجیده و سیگنال کاهش تنش از سوی تهران توانسته بخشی از این فشار را خنثی کند.

از این منظر، مجلس باید توضیح بخواهد که سیاست خارجی دولت دقیقاً چگونه به کاهش فشار اقتصادی بر دشمن کمک می‌کند. اگر وزیر خارجه در حساس‌ترین مقاطع جنگ اقتصادی و انرژی، نتواند از ظرفیت‌های ایجادشده در میدان برای تأمین منافع کشور حراست کند و بالعکس با سیگنال‌های دیپلماتیک به آرام کردن بازار نفت کمک کند، استیضاح او یک مطالبه سیاسی ملی است.

دست رد دولت به ظرفیت‌ها

اما نگرانی فقط عراقچی نیست؛ پزشک‌های نیز می‌توانند این پازل را کامل کنند. تجربه چندی پیش در اجلاس سازمان شانگهای در بیشکک و از دست رفتن فرصت ریزنی مؤثر با چین و روسیه، در کنار مواضع نسنجیده و رفتارهای عجیب پزشک‌های هنوز از حافظه افکار عمومی دور نشده است. اکنون رئیس‌جمهور در هند و اجلاس بریکس حاضر شده است. نگرانی طبیعی این است که در چنین صحنه‌ای، به جای تمرکز بر همکاری راهبردی با چین، روسیه و سایر قدرت‌های غیرغربی، دوباره سخن از رابطه با آمریکا، توهم احیای تفاهم‌نامه و همان مسیر فریب‌خورده گذشته به میان بیاید. اظهارات اخیر عاصم منیر نیز قابل تأمل است؛ مطرح شدن این ایده که یمن نیز می‌تواند مانند لبنان در تفاهم‌نامه آینده قرار گیرد. زنگ خطری است که باید جدی گرفته شود. تجربه لبنان و آنچه بر سر حزب‌الله آمد، نشان داد تفاهم‌های مهمی که فقط برای فریب مسئولان ایرانی بود، چگونه می‌توانند به محدودسازی ظرفیت مقاومت منجر شوند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۳۱

یادداشت

وقتی سینما علیه ماشین تحریف می‌ایستد

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

مدت هاست ماشین تبلیغاتی رژیم صهیونیستی و مافیای رسانه‌ای غرب تلاش می‌کند جنایت در غزه را پشت واژه‌هایی چون یهود ستیزی، مبارزه با تروریسم و عواقب هفتم اکتبر پنهان کند؛ انگار اگر برای مرگ کودکان و زنان فلسطینی یک عنوان نظامی و بوروکراتیک بسازند، دیگر کسی حق ندارد درباره اصل جنایت هولناک رژیم سؤال کند. اما حقیقت، برخلاف روایت‌های جعلی، اهل ماندن پشت دیوارهای سانسور نیست و بالاخره خود را عرضه می‌کند و دیریا

زود راه خود را پیدا می‌کند. ماجرای مستند «نازا/NAZA» از همین منظر اهمیت دارد. فیلمی که نه در یک محفل سیاسی فلسطینی یا جریان روشنفکری اروپا، بلکه از سوی دو فیلمساز اسرائیلی ساخته شده و تلاش می‌کند آنچه را در پشت سازوکار جنگ و تصمیم‌های نظامی رژیم می‌گذرد، به افکار عمومی نشان دهد. اینجا دیگر نمی‌توان همه چیز را به یهودستیزی نسبت داد. وقتی روایت انتقادی از درون جامعه اسرائیل و اراضی اشغالی بیرون می‌آید، بخشی از دیوار مصونیت روایی فرو می‌ریزد.

اما شاید مهم‌تر از خود فیلم، اتفاقی باشد که در ونیز رخ داده است. تماشاگران یک جشنواره مهم جهانی، در برابر فیلمی درباره رنج مردم غزه ایستاده‌اند و یکی از طولانی‌ترین تشویق‌ها را رقم زده‌اند؛ پرچم فلسطین بالا رفته و سالن برای دقایقی طولانی در اختیار روایتی قرار گرفته که دستگاه تبلیغاتی غرب سال‌ها تلاش کرده آن را حذف یا تحریف کند. این اتفاق را نمی‌توان صرفاً یک واکنش احساسی به یک فیلم دانست.

جنگ غزه فقط میدان نبرد موشک، پهپاد و نسل‌کشی نیست؛ میدان نبرد روایت‌ها نیز هست. رژیمی که می‌تواند در میدان رسانه‌ای، قربانی را متهم و قاتلین و جنایکارترین ارتش جهان را ارتش اخلاقی معرفی کند، به همان اندازه که به قدرت نظامی متکی است، به قدرت روایت نیز وابسته است. از همین روست که هر تصویر، هر شهادت و هر فیلمی که این روایت را به چالش بکشد، اهمیت سیاسی پیدا می‌کند. سال‌هاست فلسطین در سینمای جهان، از یک مسئله سیاسی به یک مسئله اخلاقی تبدیل شده است. حالا حتی بخشی از سینمای اسرائیل نیز نمی‌تواند چشم خود را بر آنچه در غزه می‌گذرد ببندد.

این شاید مهم‌ترین شکست برای ماشین تبلیغاتی تل‌آویو باشد؛ اینکه دیگر نمی‌تواند همه شاهدان را ساکت کند؛ حتی شاهدانی که از داخل خانه خودش آمده‌اند.

بررسی پرونده عرضه کتاب فاقد مجوز «پاسخ به تاریخ»

بازگشت مرموز یک کتاب لغو مجوز شده به بازار

است. این رویداد در شرایطی رخ می‌دهد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسماً تأکید کرده مجوز نشر این اثر بیش از یک دهه پیش یعنی در سال ۱۳۹۲ به‌طور کامل لغو شده و هرگونه فروش نسخه بدون نقد و حاشیه آن غیرقانونی است.

انتشار و عرضه گسترده چاپ بیست‌وهشتم کتاب خاطرات محمدرضا پهلوی با عنوان «پاسخ به تاریخ» و ترجمه حسین ابوترابیان در ویتترین کتابفروشی‌ها و سامانه‌های بزرگ فروش اینترنتی نظیر ایران‌کتاب و دیجی‌کالا، موجی از انتقاد و شگفتی را در میان فعالان فرهنگی پدید آورده

دیبی‌کالا

جستجو

دسته‌بندی کالاها | شگفت‌انگیزها | سوپرمارکت | طلا و نقره دیجیتال | دیجی‌استایل | در دیجی‌کالا بفرشیدا

دیجی‌کالا / کتاب، لوازم تحریر و هنر / کتاب / کتاب تاریخ و جغرافیا

انتشارات البرز / کتاب تاریخ و جغرافیا انتشارات البرز

کتاب پاسخ به تاریخ اثر محمدرضا پهلوی

کتاب پاسخ به تاریخ اثر محمدرضا پهلوی

۴٫۲ (امتیاز ۲۴ خریدار) ☆ خلاصه دیدگاه‌ها ۴۴ دیدگاه <

ویژگی‌ها

نوع جلد
شومیز

هنر اصلی مستند در روایت آبرو

پاسخ به تاریخ

اثر: محمدرضا پهلوی

به کوشش شهریار ماکان

۶
علی نقدی
روزنامه‌نگار

بررسی‌ها نشان می‌دهد انتشارات زریاب که نام آن بر روی چاپ سال ۱۴۰۳ با قیمت سرسام‌آور یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان درج شده، از سال ۱۳۹۲ تاکنون هیچ‌گونه فعالیت رسمی، درخواست مجوز یا اعلام وصولی در سامانه خانه کتاب نداشته و ناشری کاملاً غیرفعال به‌شمار می‌رود. عرضه آزادانه این کتاب فاقد مجوز، ابهامات عمیقی پیرامون نظارت بر بازار کتاب ایجاد کرده است. کتاب «پاسخ به تاریخ» آخرین یادداشت‌ها و روایات محمدرضا پهلوی است که پس از سرنگونی رژیم ستم‌شاهی و پیروزی انقلاب اسلامی، در ایام اقامت وی در مراکش به زبان فرانسوی به رشته تحریر درآمد و بعدها به زبان‌های انگلیسی و فارسی برگردانده شد. در بازار نشر ایران دوروایت و نسخه از این اثر به چاپ رسیده است؛ نخست نسخه‌ای با ترجمه حسین ابوترابیان که انتشارات زریاب آن را روانه بازار کرد و دوم نسخه‌ای همراه با نقد، بازخوانی و حاشیه‌نویسی تفصیلی تحت عنوان «شهریار ماکان» که بررسی‌ها و پیگیری‌ها نشان می‌دهد نام مستعار خسرو معتضد، پژوهشگر تاریخ معاصر است.

اما پرسش اساسی این است که آیا این کتاب در ساختار قانونی نشر کشور اجازه توزیع دارد؟ ناصر افشارپور، مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پاسخی صریح و روشن به تسنیم تأکید کرد که مجوز انتشار نسخه بدون حاشیه «پاسخ به تاریخ» در سال ۱۳۹۲ رسماً باطل شده است. به گفته این مقام مسئول، تنها نسخه‌ای که دارای مجوز قانونی و معتبر برای چاپ و توزیع است، نسخه حاشیه‌نویسی‌شده شهریار ماکان است که پیش‌تر از سوی انتشارات البرز و پس از آن توسط انتشارات ماهریس به چاپ

یادداشت

روز ملی سینما؟ جدی می‌فرمایید؟!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

سینمای ایران سال‌هاست که هیچ نسبت معناداری با هویت و ملیت ایرانی برقرار نکرده و همچنان در باتلاق پول‌های کثیف و پروژه‌های سلیقه‌ای و بی‌هدف دست‌وپا می‌زند، بدون آنکه کوچک‌ترین دغدغه‌ای برای انعکاس درد جامعه داشته باشد. امروز پرسش اساسی و بی‌پاسخ این است که چرا مسائل حیاتی و دغدغه‌های اصلی ملت ما هرگز در قاب سینما ظهور و بروزی نیافته‌اند؟ ما به عنوان مخاطب، دیگر نمی‌توانیم به واسطه این مدیوم قدرتمند به فهمی عمیق از مسائل پیچیده دوران خود دست پیدا کنیم و این یک تراژدی بزرگ فرهنگی است. برای درک بهتر این شکاف عمیق، کافی است نگاهی به گذشته ببندازیم. اگر امروز بخواهیم بدانیم در دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود شمسی دقیقاً چه اتفاقاتی در لایه‌های پنهان و آشکار کشورمان رخ داده است، باید دست به دامن کتاب، نوشته‌های ادبی، موسیقی و حتی سریال‌های تلویزیونی بشویم؛ چراکه سینما دیگر برایمان موضوعیت و کارکرد تاریخی ندارد و به حاشیه رانده شده است. این در حالی است که در نقطه مقابل، سینمای جهان الگوهای درخشانی از تعهد اجتماعی را تجربه کرده است.

برای نمونه، در دوران موج نوی هالیوود که از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ جریان داشت، سینماگران توانستند دغدغه‌ها، پارائوایا و بحران‌های بخش بزرگی از جامعه آمریکا را در فیلم‌های شاخصی همچون «منظر پارالاکس»، «بانی و کلاید» و «محلۀ چینی‌ها» به زیبایی جست‌وجو و بازنمایی کنند. آن‌ها آینه تمام‌نمای جامعه خود بودند و تاریخ را با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌ها ثبت می‌کردند. اما حالا در نقطه مقابل، وقتی کشور ما با بحران‌های اقتصادی ریزو درشت و همین‌طور یک جنگ و جودی و تمام عیار با آمریکا طرف است، انتظار می‌رود سینماگر ایرانی رسالت خود را بهتر بشناسد. او نباید در زمین حریف بازی کند و با ساختن فیلم‌های به‌شدت زیرزمینی، انتزاعی و فردگرایانه، آن‌ها را به عنوان اصل و جوهره سینما به‌خورد مخاطب بدهد و از زیر بار مسئولیت اجتماعی شانه خالی کند.

وقتی به فیلم‌هایی نظیر «بیداد»، «کیک محبوب من» و «بومرنگ» نگاه می‌کنیم، باید از خود پرسیم این آثار دقیقاً چه نمودی از وضعیت بغرنج و پیچیده حال حاضر جامعه در درون خودشان بازنمایی می‌کنند؟ آیا فرار از واقعیت و پناه بردن به انتزاع، پاسخ دردهای امروز مردم است؟ سینمای ایران برای بقا و اثرگذاری، باید از این انزوای خودخواسته خارج شده و دوباره با تپش‌های واقعی جامعه هم‌نوا شود و بیدار گردد. در غیر این صورت، محکوم به فراموشی و حذف تدریجی از حافظه تاریخی نسل‌های آینده خواهد بود و این پایان تلخ هنر هفتم است.



علی‌اصغر عزتی‌پاک، نویسنده رمان باغ کیانوش، در تازه‌ترین مصاحبه‌اش به واکاوی چالش‌های اقتباس سینمایی و ریتم کند داستان‌نویسی در ایران پرداخت و نقدهای صریحی را نسبت به عدم تطابق سلیقه نویسندگان با مخاطبان امروز مطرح کرد. او با اشاره به مواجهه خوانندگان با آثار

ریتم داستان‌نویسی در ایران کند است